

کفایه الطب گنجینه کهن طب شرق و غرب

زهرا پارساپور^{۱*}، محمدمهدی اصفهانی^۲

مقاله‌ی مروری

چکیده

پیش و پس از تألیف کفایه الطب در تاریخ تمدن ایران کتب متعدد و ارزشمندی در زمینه‌ی علم طب تألیف و نگاشته شده است که هر یک به نوبه‌ی خود از اهمیت خاصی برخوردار است. اما در این میان کفایه الطب دارای ویژگی‌هایی است که موجب شده است از قرن ششم تا حدود یک قرن پیش جایگاه خود را در طب سنتی ایران حفظ نماید و مورد توجه باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف) نظم در ارائه‌ی مطالب و سهولت دسترسی به اطلاعات مورد نظر

ب) ایجاز و اختصار

ج) مستند بودن اطلاعات و ذکر نام اطبا و بزرگانی که از آن‌ها نقل قول شده است.

د) جمع نمودن آرای پزشکان و حکمای برجسته‌ی پارسی، یونانی، رومی، تازی و هندی به‌طوری که این اثر را به گنجینه‌ی ارزشمند طبی آن روزگار تبدیل نموده است.

در این مقاله نخست با توجه به مستندات تاریخی و نیز اطلاعاتی که حبیش در آثار مختلف خود درباره‌ی تألیفاتش در اختیار ما قرار داده است به معرفی او و تعدادی از آثارش می‌پردازیم. سپس ساختار کفایه الطب و چگونگی ارائه‌ی مطالب در سه بخش اصلی آن را توصیف می‌نماییم و در پایان ارزش‌ها و امتیازات این اثر را بیان خواهیم نمود.

واژگان کلیدی: کفایه الطب، حبیش تغلیسی، داروهای مفرد و مرکب، بیماری، پزشکان

^۱ استادیار گروه ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۲ استادیار، دانشکده‌ی علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم پزشکی تهران

* نشانی: تهران، بزرگراه کردستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه ادبیات فارسی، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۲

مقدمه

ابوالفضل حبیب التفلیسی از شخصیت‌های برجسته‌ی اسلامی در قرن شش هجری صاحب تألیفات فراوان در علوم مختلف زمان خویش است. با وجود آن‌که بالغ بر سی اثر تاکنون از او شناسایی شده است شخصیت او در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. آثار او در زمینه‌ها و موضوعات گوناگونی از جمله علم نجوم، طب و داروشناسی، علوم قرآنی و دینی، علوم ادبی مانند لغت و قافیه و علم تعبیر خواب نگاشته و تألیف شده است. به همین علت القاب گوناگونی چون طیب، متطبب، حکیم و منجم به او نسبت داده شده است. این موضوع که تا چه حد تفلیسی در عمل به کار منجمی و طبابت می‌پرداخته است بر ما معلوم نیست و علیرغم جست‌وجو و کنکاشی که نویسنده در فهرست اسامی پزشکان و اطباء کهن داشت نامی از او نیافت و جز در یک مورد مشکوک اطلاعاتی از پرداختن به حرفه‌ی منجمی از او سراغ نداریم (۱). اطلاعاتی که درباره‌ی حبیب در دست داریم عمدتاً بر گرفته از آثار اوست. نام کوچک او در بیش‌تر آثارش، حبیب و به‌ندرت حبش ذکر شده است. به‌نظر می‌رسد حسن و حسین شکل تصحیف شده نام اصلی او یعنی حبیب در بعضی از نسخه‌ها باشد. کنیه‌ی او ابوالفضل و القاب او بدیع الزمان، کمال الدین و جمال الدین است. نام پدر او در اغلب کتاب‌هایش ابراهیم و در چند نسخه نام پدرش محمد است (۲). نسبتش به تفلیس می‌رسد اما در برخی از نسخ کفایه‌الطب به‌جای تفلیسی، غزنوی درج شده است. قدیمی‌ترین اثر او که تاریخ نگارش آن ذکر شده «قانون الادب» نام دارد که در سال ۵۴۵ هجری قمری نوشته شده است. اما این نخستین اثر او نیست چرا که در مقدمه‌ی آن از کتاب دیگر خود «بیان النجوم» یا مطابق با نسخه‌ی دیگر از «بیان التصریف» نام می‌برد (۳). از سویی با توجه به تاریخ کتابت و نیز تاریخ حکومت پادشاهانی که کتب خود را به آن‌ها اهدا نموده است می‌توان از مکان و زمان حیات او

اطلاعاتی به‌دست آورد. او کفایه الطب را در سال ۵۵۰ به الحارث سنجر بن ملک‌شاه تقدیم می‌کند. سلطان سنجر پادشاه مقتدر سلجوقی است که از ۵۱۱ تا هنگام مرگ یعنی ۵۵۲ بر خراسان حکومت می‌کرده است و در عین حال از چنان اقتداری برخوردار بوده است که همه‌ی ممالک تحت حکومت سلجوقی از جمله آسیای صغیر در فرمان او بودند. نکته‌ی قابل توجه این است که حبیب این اثر خود را زمانی به سلطان سنجر تقدیم می‌کند که او تحت اسارت غزان بوده و غزان اسارت او را از چشم دیگران پنهان نگاه می‌داشتند (۴). حبیب دو اثر دیگرش یعنی «کامل‌التعبیر» و «قانون‌الادب» را به قلع ارسلان ثانی پسر مسعود اول که از ۵۵۱ بر مناطقی از آسیای صغیر از جمله اقسرا و سیواس و ملطیه حکمرانی می‌کرده است، تقدیم می‌کند. قلع ارسلان در سال ۵۸۴ مناطق تحت حکومت خود را میان یازده پسر خود تقسیم می‌کند (۵). از جمله پسران او که در سال ۵۸۸ بر تخت نشست قطب الدین ملک‌شاه است که حبیب کتاب «ترجمان‌القوافی» را به او هدیه نمود. با توجه به این‌که قطب‌الدین ملک‌شاه بر ناحیه‌ی سیواس و اقسرا حکم می‌رانده است می‌توان گفت که حبیب حداقل دهه‌های پایانی عمر خود را در این منطقه که در ترکیه امروزی قرار دارد به سر برده است. با وجود حضور طولانی حبیب در ترکیه هیچ‌یک از آثار او به زبان ترکی نیست بلکه بخشی از آثار او به زبان فارسی و بخش دیگر به زبان عربی نوشته شده است. ادامه‌ی حیات او را تا حدود سال ۵۹۰ می‌توان تخمین زد. حاجی خلیفه تاریخ وفات او را در سال ۶۲۹ و بروکلمن حدود ۶۰۰ ذکر کرده‌اند (۶). با توجه به آنچه گفته شد تاریخ تولد حبیب نمی‌تواند دیرتر از سال ۵۱۵ یا ۵۲۰ باشد. بنابر این، مطابق قول حاجی خلیفه او باید بیش از ۱۱۰ سال عمر کرده باشد که بعید به‌نظر می‌رسد و حدس بروکلمان با شواهد تاریخی مطابقت بیش‌تری دارد.

بحث

معرفی محتوای کتاب «کفایه الطب»

این کتاب هم از بعد ادبی و سبک‌شناسی و هم از نظر تاریخ پزشکی قابل توجه و تأمل است. از بعد سبک‌شناسی نثر تاریخی زبان فارسی به آن توجهی نشده است، چرا که بزرگانی چون ملک الشعراء بهار بر این گمان بوده‌اند که این کتاب به زبان عربی نگاشته شده است (۷). از بعد علمی و کاربردی، وجود نسخ متعدد از این کتاب در کتابخانه‌های ایران و ترکیه بیانگر اهمیت و کاربرد آن تا حدود ۱۵۰ سال پیش است. دو ویژگی برجسته که این کتاب را از بسیاری از کتب طبی گذشته ممتاز می‌سازد عبارتند از: نظم در ارائه مطالب به گونه‌ای که دستیابی به مطلب مورد نظر به سهولت امکان‌پذیر است و دیگر ایجاز و اختصار در بیان به گونه‌ای که به جامع بودن آن لطمه‌ای نمی‌زند. امروز نگاه علمی، برجستگی دیگری را نیز به آن می‌بخشد و آن مستند بودن مطالب و اطلاعات در آن است که کم‌تر در آثار طب قدیم شاهد آن هستیم. برای مثال، در کتاب‌های ارزشمندی چون الاغراض الطیبه و المباحث العلائیه، ذخیره‌ی خوارزمشاهی و قانون، شیوه‌ی ارجاع جز به‌ندرت، در نقل مطالب ملاحظه نمی‌شود. این ویژگی هم‌چنین به ما می‌گوید که تفلیسی تنها نقش جمع‌آوری کننده و راوی آراء پزشکان و حکما گذشته را بازی می‌کند و به همین دلیل در هیچ بخشی از کتاب نشانی از بیان تجربیات و اطلاعات شخصی او نمی‌یابیم. هر چند بخش مختصر ابدال و نیز توضیحات کلی آغازین کتاب بدون ذکر مرجع بیان شده‌اند، هیچ دلیلی دال بر اظهار نظر شخصی حبیب در آن‌ها مشاهده نمی‌شود و مطالب همان است که در سایر کتب طبی پیش از او آمده است منتهی با نظم بیشتر و بیانی فشرده‌تر. از سوی دیگر، ذکر نام این همه پزشک و حکیم و نقل قول از آن‌ها بیانگر وسعت مطالعه و دسترسی گسترده حبیب به آثار متقدمین است. می‌توان گفت که کفایه الطب مجموعه‌ی مختصری است از آرای اطبا و حکمای برجسته‌ی پارسی، یونانی، رومی، تازی و هندی. آراء و آثاری

که در کتب مختلف به شکلی پراکنده و گاه مشروح بیان شده بود و حبیب با نوشتن این کتاب، چکیده‌ی مجموع آن‌ها را به شکلی منظم گرد آورده است تا به گفته‌ی خودش بیماران با داشتن این کتاب از بلای پزشکان نادان رهایی یابند و در عین حال پاداش اخروی نیز شامل حال او شود. بزرگان و حکمایی که حبیب در سه بخش کفایه الطب از آن‌ها نام می‌برد و اقوال آن‌ها را نقل می‌کند عبارتند از:

بقراط، جالینوس، دیسقوریدوس، ارجیجانس، فولس، ارباسیوس، روفس، دیوجانس، تباذوق، یوحنا، سرابیون، ماسرجویه، عیسی، ابن ماسویه، ابن ماسه، ابوجریح، مسیح، محمد زکریا، ثابت قره، حنین بن اسحق، مدائنی، ابن سینا، ابن عبدان، دمشقی، عبدوس، اسحق و شرک هندی.

در هنگام نقل قول تنها به اسم حکما بسنده می‌کند و نامی از کتابی که مطلب را از آن انتخاب کرده است نمی‌آورد اما در مقدمه‌ی کتاب تقویم الادویه نام کتاب‌های مرجع را نیز ذکر می‌کند. با توجه به این که تقویم الادویه را پیش از کفایه الطب تألیف نموده است می‌توان گفت بخشی از منابع او در کفایه الطب با تقویم الادویه مشترک است. این منابع عبارتند از:

کتاب دیسقوریدوس، هفت مقاله جالینوس در ادویه مفرده، گفته‌های ارباسیوس و حنین ابن اسحق، الحاوی از محمدبن زکریای رازی، ادویه مفرده از ابن عبدان، کامل الصناعه معروف به العقیدی (الملکی؟)، المائه از ابوسهل مسیحی، گردآورده‌های شیخ ابوالحسن بن عبدون بن بطلان، قانون ابوعلی سینا و آنچه بعد از او علی بن عیسی بن جزله بیان نموده است.

معرفی ساختار کتاب «کفایه الطب»

بنابر تقسیم‌بندی مؤلف، کفایه الطب شامل سه کتاب است. کتاب اول در بیان کلیات و نیز شناخت بیماری‌ها و شیوه‌ی درمان آن‌هاست. کتاب دوم شامل دو بخش معرفی غذاها و داروهای مفرده و کتاب سوم غذاها و داروهای مرکب است. در کتاب اول نخست کلیاتی در باب اهمیت علم طب، شناخت مزاج‌ها و طبایع، شناخت ساختمان تن انسان، علم

جهت رعایت اختصار، در هر جدول، توضیحات در مورد یک یا چند بیماری به اختصار آورده شده است. از این رو، با وجودی که در فهرست مطالب، در دوپست و بیست و شش شماره، عناوین بیماری‌ها ذکر شده است اما در متن طبق گفته‌ی مؤلف سید و شصت و شش بیماری مورد بررسی قرار گرفته است. با وجود تفاوت محتوایی، در همه‌ی صفحات شکل ظاهری یکسان است و این شکل منظم در همه‌ی نسخی که از این کتاب در دست داریم به دست کاتبان حفظ شده است (تصویر شماره ۱).

مجسه (نبض‌شناسی)، علایم بیماری و بهبودی، دانستن حال و هوای شهرها و گردش چهار فصل بیان شده است. متن اصلی کتاب اول که در مورد شناخت بیماری‌هاست در داخل جداولی ارائه شده است که سه بخش دارند: سبب، علامت و علاج بیماری. هر صفحه از کتاب شامل دو جدول است که معمولاً هر دو درباره‌ی یک بیماری توضیح داده است. در بیشتر موارد تفاوت این دو جدول مربوط به عامل بیماری است که یا از گرمی است یا سردی. برای مثال، تب مطبق که از سردی باشد یا از گرمی. گاه تفاوت این دو جدول مربوط به تفاوت دیدگاه دو طبیب در مورد یک بیماری است و گاه

Downloaded from ijme.tums.ac.ir at 4:25 IRST on Monday September 25th 2017



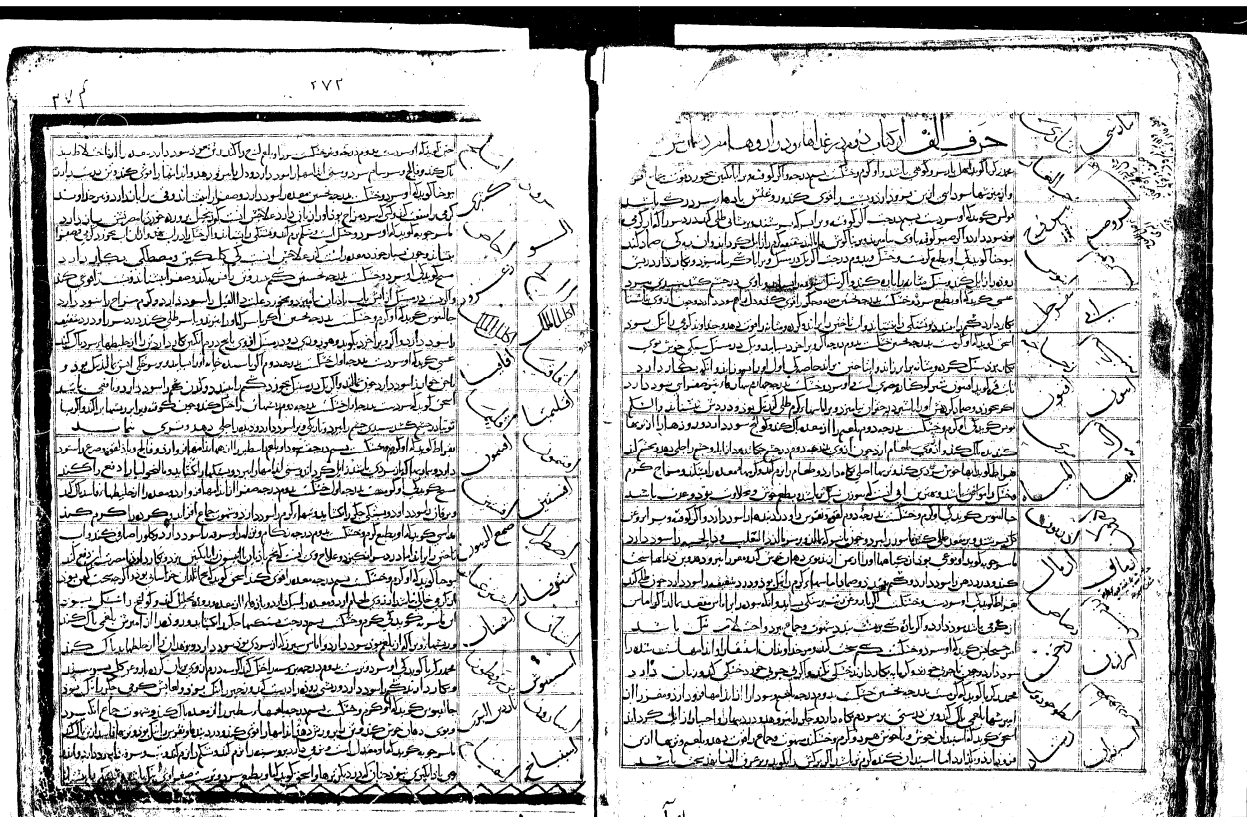
تصویر شماره ۱ - نمونه‌ی معرفی بیماری‌ها در کفایه الطب

ج) بیان مطالب در جداول که موجب جدا شدن توضیحات مربوط به علت و سبب و علاج بیماری‌ها می‌شود.
 د) رعایت ترتیب قرار گرفتن اجزای بدن در توضیح بیماری‌ها. به این صورت که او نخست از بیماری‌های سر و اجزای آن شروع کرده است و سپس به ترتیب قرار گرفتن اندام‌ها تا پایین پا بیماری‌های هر عضو را جداگانه بررسی

سهل الوصول بودن مطالب در این کتاب نتیجه‌ی شگردهایی است که نویسنده در شیوه‌ی ارائه‌ی مطالب به‌کار برده است. این تدابیر عبارتند از:
 الف) داشتن فهرست مطالب در آغاز کتاب
 ب) شماره‌دار بودن عناوین که برای یافتن مطالب در نسخه‌ی خطی اهمیت فراوان دارد.

کرده است. در نتیجه، یافتن بیماری هر عضو حتی بدون دانستن نام بیماری جهت مراجعه به فهرست بهراحتی امکان پذیر است. بعد از اتمام بیماری‌های مربوط به اندام‌های خاص، بیماری‌های کلی بدن را توضیح می‌دهد از آن جمله انواع تب‌ها، مسمومیت‌ها، سوختگی‌ها، آبله، جذام و ... همان‌طور که پیش از این بیان گردید جز در بخش کلیات،

باقی مطالب از قول اطبا با ذکر نام طبیب نقل شده است. در بخش مفردات یا کتاب دوم، نام پارسی و تازی ششصد و شصت و یک داروی مفرد به همراه توضیحات مختصر هر یک در مورد طبیعت، تأثیرات و گاه نحوه‌ی استفاده و مضرات آن‌ها در جداولی بیان شده است (تصویر شماره‌ی ۲).



تصویر شماره‌ی ۲- نمونه‌ی معرفی داروهای مفرد در کفایه الطب

است، در حالی‌که داروها در کفایه الطب بر اساس حرف آغازین نام فارسی آن‌ها مرتب شده است. در تقویم الادویه نام داروها به زبان‌های فارسی، عربی، سریانی، رومی، یونانی و گاه هندی بیان شده است و چنان‌که تفلیسی می‌گوید به جز واژه‌های یونانی، در باب سایر الفاظ از اصحاب آن زبان‌ها تحقیق کرده است و این مطلب نشانگر آشنایی وسیع او با زبان‌های گوناگون است. این امر موجب شده است تا آثار طبی او حاصل جمع تجربیات طبی ملل و تمدن‌های گوناگون شرقی و غربی باشد. در کفایه الطب تنها به ذکر نام پارسی و

همه‌ی این توضیحات، بسیار مختصر و در دو سطر گنجانده شده است. اگر بخواهیم این بخش از کفایه الطب را با بخش مفردات تقویم الادویه که پیش از آن نوشته است مقایسه کنیم باید بگوییم که تقویم الادویه هم از حیث تعداد داروها و غذاها و هم از حیث توضیحات تکمیلی گسترده‌تر از کفایه الطب است. تعداد مفردات در تقویم الادویه هشتصد و هشتاد عنوان و در کفایه الطب ششصد و شصت و یک عنوان است. لازم به ذکر است از آنجا که تقویم الادویه به زبان عربی تدوین شده است تنظیم فهرست داروها بر اساس نام عربی

تازی ادویه مفرده بسنده می‌کند. برای این که بتوانیم میزان اطلاعات و توضیحات در مورد داروها را در این دو اثر مقایسه کنیم به نحوه‌ی معرفی «انجدان» در هر دو کتاب می‌پردازیم. در تقویم الادویه هر دارو در دو جدول توضیح داده شده است (۸). چنان‌که ملاحظه می‌شود توضیحات در کفایه الطب مختصرتر است.

جدول شماره ۱ - در توصیف انجدان

| عربی | فارسی | سریانی | رومی | یونانی | ماهیت | نوع برگزیده | طبیعت | منفعت | مضرت | دفع مضرت | مقدار شربت |
|--------|--------|---------|--------|---------|------------------------------------------|----------------|---------------------------|------------------------------------|-----------------------|-----------------------|------------|
| انجدان | انگدان | انگدانی | سلقیون | مرغودیس | گیاه- رنگش سفید و سیاه و صمغش حلتیت است. | سفید تر و تازه | فولس: گرم خشک در درجه سوم | در سموم و ضماد کردنش جهت خروج مواد | موجب زخم مثانه می شود | بزر الفتا و بقله حمقا | اربعه درهم |

جدول شماره ۲ - در توضیح استعمال انجدان از دیدگاه اطبا

| برگزیده‌ی گفتار اطبا در خاصیت دارو |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| جالینوس می‌گوید صمغ آن ذوب کننده‌ی اخلاط غلیظه است که در اعضا جمع شده است. دیسکوریدوس می‌گوید که اگر با عسل خورده شود معده را پاک می‌کند و ادرار را افزایش می‌دهد. فولس می‌گوید اگر با عسل خورده شود برای یرقان مفید است و ذهن را تیز می‌سازد و استعمال آن با سرکه برای کسی که ضعف بینایی دارد مفید است. روفس گوید که آن یکی از ادویه‌هایی است که معده را از اخلاط پاک می‌کند و بستگی‌های کبد را می‌گشاید و زیاده‌روی در آن موجب قولنج می‌گردد، چرا که هضم آن مشکل است. |

توضیحات کفایه الطب در مورد انجدان چنین است (۹): (جدول شماره ۳)

| پارسی | تازی | [توضیحات] |
|--------|--------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| انگدان | انجدان | فولس گوید که او گرم و خشک است به سیم درجه طعام‌های سطر را لطیف کند و آروغ بسیار آرد. ماسرجویه گوید انگدان از دوگونه بود یکی سپید و خوش بوی او را با طعام‌ها به کار دارند آب تاختن براند و حیض را بگشاید و دیگر سیاه بود. |

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ورنیغ (سمانا) - هرطمان (هروک) - نفل - ملیح - کیلی سراس (حشنی) - سقین (کرک) - قیف - غونبک - غاغاطی - سکسبره (عین السراطین) - صدی الحديد (زنگ آهن) - اسپندا (نیلوفر هندی).

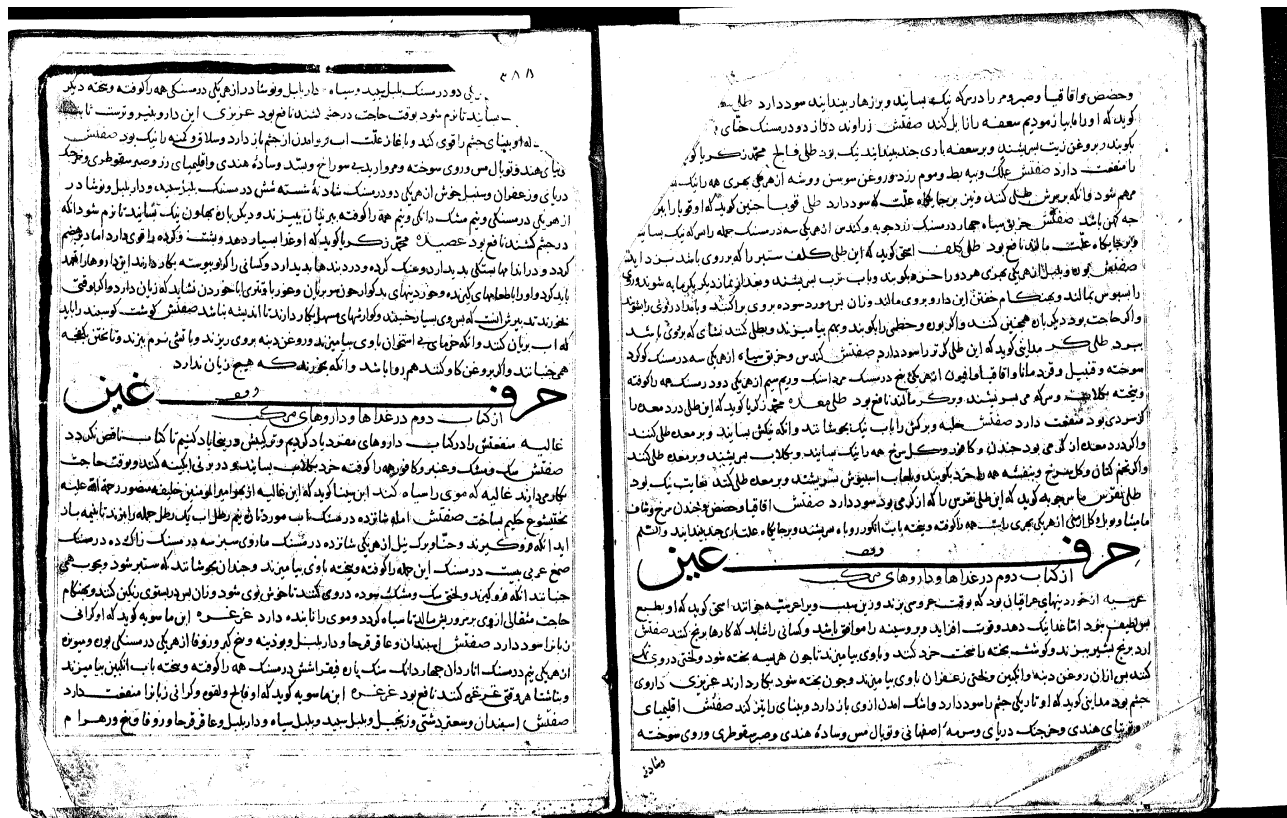
در پایان بخش داروهای مفرد حبیش مبحث ابدال را

تفلیسی در نوشتن این بخش تنها به اطلاعاتی که در تقویم الادویه جمع‌آوری کرده است بسنده ننموده است، بنابراین نمی‌توان گفت که مفردات در کفایه الطب خلاصه‌ای از تقویم الادویه است.

بعضی از اسامی داروهایی که حبیش در این بخش از کفایه الطب آورده است بسیار نادر و غریب است. برای نمونه

داروی جایگزین را نسبت به داروی اصلی نیز ذکر می کند. بخش آخر کفایه الطب یا کتاب سوم در غذاها و داروهای مرکب است که دیگر به شکل جدول ارائه نشده است (تصویر شماره ۳).

مطرح کرده است به این منظور که «تا کتاب کامل تر بود و نیز اگر دارویی معدوم باشد از داروهای مفرد و مرکب، بدل وی آنچه یاد کردیم به کار دارند». در نسخ متأخر این مبحث بعد از ادویه مرکب آورده شده است. ترتیب ابدال بر اساس حروف الفباست. در برخی از داروها میزان و نسبت استفاده از



تصویر شماره ۳ - نمونه‌ی معرفی داروهای مرکب در کفایه الطب

قول‌ها از جهت نحوه‌ی ساخت دارو یا غذا چه از لحاظ مواد اولیه و چه از لحاظ طرز تهیه‌ی آنها متفاوت است. گاه این تفاوت به علت اختلاف در علت بیماری است. برای مثال، حب درد سر از دو نسخه ابن ماسویه و محمد زکریا بیان شده است که اولی مربوط به دردمسری است که از گرمی یا سردی است و دومی مربوط به دردمسری است که تنها از سردی ناشی شده است. شیوه‌ی ارائه‌ی اطلاعات در این بخش نیز مانند سایر بخش‌ها مختصر و منظم است. اسامی داروها و غذاها بر اساس نام پارسی آنها به ترتیب حروف

در این بخش نام پارسی و تازی هفتصدوپنج دارو، خاصیت و صفت آنها (منظور مواد اولیه، میزان و طرز تهیه‌ی دارو یا غذاست) و همچنین میزان استفاده از دارو و پیشگیری از ضرر احتمالی آن را بیان می کند. در بعضی از داروها و غذاهای مدت‌دار، زمان انقضای آنها را در پایان ذکر کرده است. تمامی این توضیحات از قول حکما و پزشکانی بیان شده است که پیش از این نامشان را ذکر کردیم. گاه برای یک دارو و غذا دو یا سه توضیح را به صورت مجزا از قول پزشکان مختلف نقل می کند که معمولاً این نقل

الفبا تنظیم شده در مواردی که نام عربی یا یونانی دارویی مشهورتر بوده است یا معادل پارسی برای دارویی وجود نداشته همان نام مشهور را عنوان قرار داده و نام دیگر را که کم‌تر شناخته شده است در بخش توضیحات که بسیار موجز و مفید بیان شده، آورده است. همین طور در مواردی معادل یونانی اسامی پارسی را نیز ذکر کرده است.

نتیجه‌گیری

کفایه الطب اثر ارزشمند طبی به‌جای مانده از میانه‌ی سده‌ی ششم هجری است که به شکل موجز، منظم و دقیق اطلاعات وسیعی را در سه زمینه‌ی اصلی معرفی بیمارها، داروهای مفرد و داروهای مرکب در اختیار ما قرار می‌دهد. مطالب این کتاب در بخش‌های مختلف از قول اطباء مشهور شرق و غرب و در غالب موارد با ذکر نام آن‌ها درج شده است که از این نظرگاه در میان آثار طبی گذشته کم‌نظیر است. با مطالعه‌ی دقیق کفایه الطب می‌توان گفت که حبیش التفلیسی در نگارش آن، همان هدفی را دنبال می‌کرده است که در کامل‌التعبیر، تقویم الادویه، قانون الادب و ترجمان القوافی. آشنایی او با چندین زبان و جایگاه زندگی او در چند دهه‌ی پایانی حیاتش در ترکیه که محل تلاقی تمدن شرق و غرب است موجب شده است که او در قرن ششم به اطلاعات گسترده‌ای دست پیدا کند. به‌نظر می‌رسد که او مجموعه‌ی وسیعی از کتب را در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی و دینی در اختیار داشته است که از سویی امکان دستیابی همگان را به آن ممکن نمی‌دیده و از سوی دیگر ذهن منطقی و منظم او مدام درصدد این بوده است که اطلاعات پراکنده را مختصر و منظم ساخته و دستیابی و امکان استفاده از آن‌ها را در آن عصر ممکن سازد. از این رو، با مطالعه‌ی کتاب‌هایش از جمله کفایه الطب به گنجینه‌ی ارزشمندی از یافته‌های عصر او دست می‌یابیم.

منابع

- 1- Yaziji E, Hobaysh B. Ebrahim Mohammad Teflisi. In: Yarshater E. Encyclopedia Iranica. New York: Routledge & Kegan Paul; 2004, p. 415.
- ۲- تفلیسی حبیش بن ابراهیم. کفایه الطب. کتابخانه بادلیان. میکرو فیلم ۱۲۰۶، ص ۱.
- ۳- تفلیسی حبیش بن ابراهیم. قانون الادب. مصحح غلامرضا طاهر. تهران: بنیاد فرهنگ ایران؛ ۱۳۵۱، ص ۱۸.
- ۴- همدانی فضل‌الله. جامع التواریخ (سلاجقه). مصحح محمد روشن. تهران: میراث مکتوب؛ ۱۳۸۶، ص ۶۹.
- ۵- صفا ذ. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: انتشارات فردوسی؛ ۱۳۷۱، ص ۹۹۸.
- ۶- تفلیسی حبیش بن ابراهیم. وجوه القرآن. مصحح مهدی محقق. تهران: مؤسسه قرآن؛ ۱۳۷۰، ص ۹.
- ۷- بهار ملک الشعرا. سبک‌شناسی. تهران: انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۸۰، ص ۳۹۴.
- ۸- تفلیسی حبیش بن ابراهیم. تقویم الادویه. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، میکرو فیلم ۳۲۹۰، ص ۱۶۱-۱۶۰.
- ۹- تفلیسی حبیش بن ابراهیم. کفایه الطب. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکرو فیلم ۸۶۱۱، ص ۲۷۴.